

گروه اسمی (۱)

اهداف کلی

- ۱- شناخت گروه اسمی و هسته و وابسته‌ی آن.
- ۲- شناخت ویژگی‌های اسم.

اهداف جزئی

- ۱- توانایی تشخیص اجزای گروه اسمی (هسته و وابسته).
- ۲- توانایی تشخیص انواع وابسته‌ها (وابسته‌ی پیشین و پسین).
- ۳- توانایی بیان ویژگی‌های اسم.
- ۴- توانایی تشخیص ویژگی شمار اسم؛ مفرد و جمع.
- ۵- توانایی تشخیص شناس (معرفه)، ناشناس (نکره) و اسم جنس.
- ۶- توانایی بیان ویژگی عام و خاص بودن اسم.
- ۷- توانایی تشخیص ویژگی ساخت اسم (ساده - مشتق - مرکب و مشتق مرکب).
- ۸- توانایی تشخیص «نام آوا» (onomatopia) و صوت (شبه جمله).

منابع

- دستور زبان (۱) دکتر وحیدیان - عمرانی - نشر سمت - تهران - چاپ ۱۳۷۹.
- دستور زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه‌ی گشتاری - دکتر مهدی مشکوة‌الدینی.
- توصیف ساختمان دستور زبان فارسی - دکتر محمد رضا باطنی.
- دستور زبان فارسی (۲) - دکتر حسن انوری - نشر پیام نور - ۱۳۷۵.
- مجله‌ی آموزش زبان فارسی (رشد) شماره‌ی ۵۶.

روش‌های تدریس پیشنهادی

- الگوی پیش‌سازمان‌دهنده
- الگوی دریافت مفهوم
- الگوی تفکر استقرایی

نکات اساسی درس شانزدهم

- بیان ساختمان گروه اسمی از دیدگاه‌های برخی دستور نویسان و زبان شناسان.
- بیان ویژگی‌های اسم.
- شرح و بیان ویژگی شمار در گروه اسمی.
- شرح و بیان عام و خاص بودن اسم.
- توضیح اسم از نظر شناس (معرفه) و ناشناس (نکره) و اسم جنس.
- شرح و توضیح انواع اسم از نظر ساخت آن.
- بیان کلی ساختمان اسم ساده، اسم مرکب، اسم مشتق، و اسم مشتق - مرکب.
- توضیح چگونگی ساختمان برخی از گونه‌های اسم‌های مشتق، مرکب و مشتق - مرکب.

شناخت مقوله‌ی «نام آواها»

□ بعد از آشنایی با گروه فعلی اینک با ساختمان گروه اسمی آشنا می‌شویم.

ساختمان گروه اسمی: این بحث را با ذکر تعاریفی چند از دیدگاه‌های گوناگون ادامه می‌دهیم:

گروه اسمی از یک اسم به عنوان هسته درست می‌شود که می‌تواند یک یا چند وابسته نیز بگیرد. وجود وابسته اختیاری است. به عبارت دیگر، اسم وابسته هم نگیرد، باز هم گروه اسمی است چون بالقوه می‌توان برای اسم، وابسته یا وابسته‌های متعدد آورد. هسته‌ی گروه اسمی اسم است یا هر چه در حکم اسم باشد؛ «فرهاد کتاب خرید: فرهاد آن را خرید. فرهاد چه خرید؟»

دستور زبان فارسی (۱) دکتر وحیدیان - عمرانی

«از لحاظ تجزیه‌ی روساختی، به آن واحد نحوی که از یک و یا چند واژه تشکیل می‌شود و بنا بر روابط نحوی خاص در جایگاه نهاد، وابسته‌ی اسمی (ملکی، مضاف الیه)، وابسته‌ی بدل، پس از حرف اضافه‌ای، مفعول صریح، متمم، مسند، پایه‌ی فعل مرکب، متمم مفعولی، قید یا متمم قیدی و جز این‌ها به کار رود، گروه اسمی گفته می‌شود. بنا به تعریف بالا، گروه اسمی یک واحد نحوی است که در ساخت جمله در جایگاه‌های یاد شده ظاهر می‌گردد. در گروه اسمی همواره یک اسم و یا ضمیر

به عنوان عنصر اصلی یا «هسته» به کار می‌رود. ممکن است گروه اسمی تنها از یک اسم و یا ضمیر تشکیل شود. به واژه‌هایی که در گروه اسمی به همراه اسم و یا ضمیر (در جایگاه هسته) به کار می‌رود وابسته گفته می‌شود.»

«دستور زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه‌ی گشتاری – دکتر مهدی مشکوة‌الدینی»

«گروه اسمی فارسی، از یک کلمه یا بیشتر ساخته شده است و در ساختمان واحد بالاتر یعنی بند، جایگاه مسندالیه، متمم و گاهی نیز جایگاه ادات را اشغال می‌کند؛ مثال:

۱- این نشریه‌ی دوستداران سازمان ملل متحد بسیار جالب توجه است.

۲- حسن خانه‌ی خودش نیست. در مثال شماره‌ی یک «این نشریه‌ی دوستداران سازمان ملل متحد» و «بسیار جالب توجه» گروه‌های اسمی هستند که به ترتیب در جایگاه مسندالیه و ادات قرار گرفته‌اند. هر گروه اسمی در فارسی از یک هسته و تعدادی وابسته که در دو طرف هسته قرار می‌گیرند ساخته شده است.»

«توصیف ساختمان دستور زبان فارسی – دکتر محمد رضا باطنی»

در کتاب دستور زبان آقای دکتر حسن انوری نیز مطالبی آموزنده در مورد اسم و گروه اسمی در جمله، آمده است که مطالعه‌ی آن موجب آشنایی بیشتر با این مبحث خواهد بود.

○ گروه اسمی به عنوان سازه‌ای که جایگاه‌های نهاد، مفعول، مسند، و متمم را اشغال می‌کند و بیشترین بسامد را در جمله و زبان دارد، دارای ساختمانی است که اگر بخواهیم به شیوه‌ی تعریف‌های علمی زبان‌شناسی، تعریفی روشن و دقیق و موجز ارائه دهیم باید آن را، فرمول وار، چنین تعریف کنیم:

گروه اسمی ← (وابسته‌های پیشین، هسته، وابسته‌های پسین). (مجله‌ی رشد آموزش زبان و ادب فارسی شماره‌ی ۵۶)

ویژگی‌های اسم: در زبان فارسی، اسم از جهات وابسته پذیری، شمار، معرفه، نکره (شناس، ناشناس)، اسم جنس عام و خاص و ساخت بررسی می‌شود.

در این درس با چهار ویژگی شمار، شناس، اسم جنس، عام و خاص و ساخت اسم آشنا می‌شویم:

شمار: اسم یا مفرد است یا جمع، مفرد بر یکی و جمع بر بیش از یکی دلالت می‌کند: تعدد اسم به دو صورت نشان داده می‌شود:

الف) با نشانه‌های جمع: کتاب‌ها، درختان.

ب) با صفت‌های شمارشی بیش از یک یا صفت‌های پیشین مبهم: چند کتاب، دوست سرباز.

نشانه‌های جمع در فارسی عبارتند از: ^۱

● **ها:** همه‌ی اسم‌ها را می‌توان با «ها» جمع بست. کرگدن‌ها - خوک‌ها - غصه‌ها؛ حتی اسم‌هایی را که معمولاً به صورت‌های دیگر جمع بسته می‌شوند: مسجدها (مساجد) کتاب‌ها (کتب) این نشانه‌ی «ها» در زبان فارسی، زایا است؛ حتی واژه‌های دخیل را نیز می‌توان با آن جمع بست: رادیوها.....

● **ان:** این نشانه از نظر کثرت کاربرد، پس از «ها» قرار می‌گیرد: مردان، درختان. نشانه‌ی جمع «ان» امروزه زایا نیست یعنی واژه‌های جدید را معمولاً با آن جمع نمی‌بندند؛ مثلاً فوتبالیست‌ها.....

نشانه‌ی جمع «ان» بیشتر برای اسم جانوران و اعضای زوج بدن به کار می‌رود: اسبان - گوسفندان.

اما استثناهایی هم دارد:

۱- بعضی از گروه‌های جانداران؛ مثل: شته - زرافه - گربه.

۲- پاره‌ای از اعضای زوج بدن؛ مثل: شانه - پا - گوش.

این نشانه دارای گونه‌های زیر است:

۱- **گان:** اگر اسم به h / $e (=e)$ ختم شود، نشانه‌ی جمع آن «گان» است: خوانندگان -

ستارگان - زندگان

۲- **یان:** اگر اسم به $(\hat{a} = 1)$ ، $(U = o)$ و $(i = y)$ ختم شود، نشانه‌ی جمع آن «یان» است:

دانشجویان - سخن‌گویان.

۳- **ان:** برخی از واژه‌های مختوم به $(U = o)$ ابروان - بازوان - بانوان - هندوان.

۴- **کان:** واژه‌ی «نیا» را به صورت نیاکان جمع می‌بندند.

واژه‌ی سال به دو صورت سال‌ها و سالیان جمع بسته می‌شود.

تکواژ «گان» در کلمات «مژگان»، «ناوگان» و «واژگان» مجموعه ساز است نه جمع.

جمع مژه = مژه‌ها جمع واژه = واژه‌ها

«کان» در کلمه‌ی پلکان نیز مجموعه ساز است نه جمع.

● **ا:** این نشانه‌ی جمع، مختص واژه‌های عربی از قبیل مصدر، اسم فاعل و اسم مفعول و

صفت نسبی مختوم به تاء تأنیث است.

تأثیرات - اشتباهات.

۱- دستور زبان فارسی (۱) - دکتر وحیدیان - عمرانی - ص ۷۴.

واژه‌هایی که نشانه‌ی جمع «ات» دارند، در فارسی به دو گروه تقسیم می‌شوند :

۱- واژه‌هایی که «ات» در پایان مفرد آن‌ها می‌آید : بیانات - محصولات - اثرات.

۲- واژه‌هایی که مفرد آن‌ها به «ت» و «ه / ه» ختم می‌شود. در هنگام جمع بستن «ت» یا «ه» حذف می‌شود : خدمات.

تقریباً تمام کلماتی که با این نشانه جمع بسته می‌شوند، بر غیر جانداران دلالت می‌کنند و در میان آنها استثنای اندکی وجود دارد : حیوانات - حشرات.

● **جات** : این تکواژ بر انواع دلالت می‌کند : کارخانجات (=انواع کارخانه) ترشیجات (انواع ترشی) میوه‌جات، مرباجات (مفرد این واژه‌ها به مصوّت ختم شده است).

● **یات** : این نشانه‌ی جمع نیز خاصّ واژه‌های عربی است : عملیات - شرعیات - ریاضیات بعضی، واژه‌هایی مثل شرعیات، ریاضیات، غزلیات را جمع شرعیّه، ریاضیه و غزلیّه می‌دانند اما چنین مفردهایی در فارسی به عنوان اسم وجود ندارد. برخی از این واژه‌ها در فارسی، مفرد ندارند. مانند : الهیات - شرعیات.

● **ین** : این نشانه، مخصوص واژه‌های عربی (غالباً اسم فاعل و اسم مفعول) است که در فارسی به کار می‌روند : حاضرین - مجروحین. در بسیاری موارد به جای این نشانه از «ان» و گاه از «ها» نیز استفاده می‌کنند : غایبان / غایب‌ها، مخالفان / مخالف‌ها.

● **جمع مکسر** : برخی از واژه‌های عربی به دو صورت مفرد و جمع وارد زبان فارسی شده‌اند. گاهی مفرد این واژه‌ها را با (ها/ان) جمع می‌بندند و گاهی جمع عربی آن‌ها یعنی صورت مکسر را به کار می‌برند. جمع مکسر دوگونه است :

الف) با تغییر مصوّت‌ها، بدون افزایش و کاهش صامت‌ها، مثل : کتاب ← کتب - رَجُل ←

رجال

ب) با تغییر مصوّت‌ها همراه افزایش و کاهش بقیه‌ی واج‌ها، مثل : امر ← امور - مدینه ← مُدُن.

وزن‌های معروف جمع مکسر عربی که در فارسی کاربرد بیشتری دارند، در سال سوم مورد

بررسی قرار خواهد گرفت.

● شناس (معرفه)، ناشناس (نکره)، اسم جنس

به اسمی که همراه یکی از وابسته‌های مشخص کننده، از جمله وابسته‌های اشاره یا اسم خاص یا ضمیر به کار رود اسم معرفه گفته می‌شود ؛ مانند : این کتاب، آن دانشجو، برادر دوستم، دوست من، خانه‌ی علی.

بر عکس به اسمی که بدون هیچ نشانه‌ی دستوری و به تنهایی به کار رود اسم عام (اسم نوع یا جنس) گفته می‌شود؛ مانند: کتاب، مهم‌ترین منبع ذخیره‌ی دانش‌ها و آگاهی‌هاست. («کتاب» اسم جنس)

غذا برای ادامه‌ی زندگی جاندار ضروری است. («غذا» اسم جنس)
اسمی که بر جنس و نوع دلالت دارد با یکی از وابسته‌های معرفه ساز و یا نکره ساز (مانند این، آن، برخی، چند و یا اعداد طبیعی) به کار می‌رود. در این گونه موارد، اسم مذکور اسم جنس یا نوع نیست بلکه بر حسب مورد معرفه یا نکره محسوب می‌شود؛ مانند:

این هوای خشک برای گل‌ها مناسب نیست. (این هوا: اسم معرفه)

هوا برای گیاهان لازم است. (هوا: اسم جنس)

چند کتاب خریدم. (چند کتاب: اسم نکره)

کتاب خریدم. (کتاب: اسم جنس)

نشانه‌ی معرفه مانند نشانه‌ی جنس صفر \emptyset است، یعنی اسم معرفه با خود نشانه‌ای ندارد. در مواردی که اسم به واحد، مورد و یا مواردی اشاره کند که میان گوینده و شنونده شناخته باشد آن اسم، معرفه نامیده می‌شود ولی اگر چنین شناختگی یا سابقه‌ای مطرح نباشد، به اسم، نکره گفته می‌شود: پیامبر در طول بیست و سه سال به تدریج کتاب الهی خود را بر مردم فرو خواند. (پیامبر: اسم معرفه) این هوا برای مسافرت مناسب نیست.

(هوا: اسم معرفه) کشور ما ایران است. (کشور: اسم معرفه)

چنان که در نمونه‌های «این هوا» و «کشور ما» در بالا مشاهده می‌شود، ممکن است اسم از راه پیوند نحوی با وابسته‌های معرفه ساز، یعنی وابسته‌های اشاره‌ی «این» و «آن» و یا وابسته‌ی اسمی مشخص (اسم خاص و ضمائر شخصی) معرفه شود.

نشانه‌ی نکره /i/ (ی) است. از لحاظ معنایی، اسم نکره به یک یا چند فرد و یا مورد نامشخص از انسان، جانور، گیاه و یا هر چیز مادی و یا غیر مادی اشاره می‌نماید. هنگامی که نشانه‌ی نکره به اسم ناشمردنی اضافه شود معنی آن را محدود می‌کند. به نمونه‌هایی از کاربرد نشانه‌ی نکره در زیر، توجه کنید:

کتابی خریدم. (کتابی: اسم نکره) غذایی خورد. (غذایی: اسم ناشمردنی — نکره با معنی

محدود)

در اطراف جنگل خانه‌هایی ساخته شده است. (خانه‌هایی: اسم نکره)

این روستا آبی هم دارد. (آبی: اسم ناشمردنی — نکره با معنی محدود)

کتاب سودمندی خرید - باغ بزرگی داشت. در این دو نمونه «کتاب سودمندی» و «باغ بزرگی» مشاهده می‌شود، در مواردی که به دنبال اسم، وابسته صفتی به کار رود، معمولاً نشانه‌ی نکره به دنبال صفت افزوده می‌شود. با این حال، در بسیاری موارد در زبان فارسی رسمی، و بویژه سبک ادبی، در ترکیب‌های نحوی اسم و صفت، نشانه‌ی نکره به دنبال اسم نیز ظاهر می‌گردد. مانند دیواری بلند، کاخی بلند، درختانی سرسبز.

در مواردی که «یک» و یا «هر» از وابسته‌های نکره، پیش از اسم ظاهر شود، ممکن است نشانه‌ی نکره‌ی «-ی» حذف شود و یا باقی بماند: یک کتاب روی میز بود. یک کتابی روز میز بود. هر دانشجو یک کتاب دارد. هر دانشجویی یک کتاب دارد.

در صورتی که در ترکیب‌های نحوی یاد شده در بالا، وابسته‌ی صفتی نیز ظاهر شود، نشانه‌ی نکره به دنبال صفت ظاهر می‌گردد، مانند نمونه‌های زیر: هر آدم عاقلی، هر کتاب تازه‌ای، یک آدم عاقلی، هر یک تن دانشجویی.

نشانه‌ی جمع پیش از نشانه‌ی نکره ظاهر می‌شود، مانند نمونه‌های زیر: کتاب‌هایی - خانه‌هایی. «ی» نکره پس از اسم عام می‌آید و اسم را ناشناس می‌کند یا آن را درجانی از شناس بودن دور می‌سازد: مردی از راه رسید. گل سرخ قشنگی چیدم.

توضیح این که آمدن یای نکره بعد از اسم خاصی که جمله‌ی ربطی توضیحی داشته باشد ویژگی خاص بودن آن اسم را از میان می‌برد مانند «ایرانی که وطن ماست؛ مهد شعر و ادب است.»

□ عام و خاص

○ عام اسمی است که افراد یک رده یا طبقه را شامل می‌شود و نکره و جمع بسته می‌شود: کوه - گوسفند - کوهی - گوسفندی.

اسم عام همه‌ی وابسته‌های پسین و پیشین اسم را می‌پذیرد.

لباس‌هایی را که انتخاب کرده بودیم، فرستادیم. همان روزنامه را خریدم.

○ خاص اسمی است که نه جمع بسته می‌شود و نه نشانه‌ی نکره می‌پذیرد. مریخ - لبنان (مریخ‌ها - لبنان‌ها - مریخی - لبنانی).

اگر گاهی اسم خاص را جمع می‌بندند نظایر آن مورد نظر است و در این صورت هم اسم خاص است.

فردوسی‌ها، ابن سیناها..... گاهی نیز چنین اسمی در حکم نکره است: (او حافظی متفاوت در ذهن خود ساخته است.)

با گفتن اسم خاص، بلافاصله اسم عام آن به ذهن متبادر می‌شود در صورتی که با گفتن اسم عام، اسم خاص آن به ذهن خطور نمی‌کند.

مثال: باگفتن ارس بلافاصله «رود» به ذهن می‌آید در صورتی که مثلاً باگفتن کوه، اسم همهی کوه‌ها که به تنهایی خاص هستند به ذهن نمی‌آید چنانچه با گفتن «سبلان» بلافاصله «کوه» که یک اسم عام است وارد ذهن می‌شود.

□ ساخت^۱

اسم از نظر اجزای تشکیل دهنده‌ی آن چهار نوع است: ساده، مرکب، مشتق و مشتق — مرکب.

اسم ساده: آن است که فقط یک تکواژ داشته باشد؛ مانند: گوسفند — قبیله — اسفندیار — فرهنگ.

بعضی از اسم‌ها که آن‌ها را ساده می‌نامیم، از نظر تاریخی ممکن است ساده نباشند اما از آن جهت که در زبان فارسی امروز تفکیک‌پذیر نیستند، ساده محسوب می‌شوند؛ مانند: اسفندیار ← اسفند+یار و آسمان ← آس + مان

● اسم مرکب: از دو یا چند تکواژ آزاد / قاموسی تشکیل می‌شود: حسن آباد — سپید رود — پنج راه — آب انبار — آب دوغ خیار. ویژگی این نوع اسم آن است که نمی‌توان بین اجزای آن عنصر دیگری آورد و آن را گسترش داد؛ مثلاً ترکیب‌های آب‌ها انبار یا آب دوغی خیار غلط است؛ زیرا دو واژه که با هم ترکیب می‌شود جزء نخست آن گسترش‌پذیر نیست؛ مثلاً کتاب گسترش‌پذیر است؛ زیرا می‌توان گفت: کتابی — کتاب‌ها؛ اما در کلمه‌ی «کتاب‌خانه» کتاب را نمی‌توان گسترش داد.

انواع اسم‌های مرکب: اسم + اسم (+ اسم): لاک پشت — کتاب خانه — مهمان سرا — آب‌گوشت.

○ اسم + بن ماضی: کارکرد — رهاورد — سررسید — صلاح‌دید — چشمداشت.

○ اسم + بن مضارع: آبکش — گلگیر — خط کش — خاک انداز.

○ صفت + اسم: سیاه مشق — نوروز — سپید رود — سیاه چال.

● اسم مشتق: آن است که در ساختمان آن یک تکواژ آزاد و دست کم یک «وند» وجود

۱- دستور زبان فارسی (۱) - دکتر وحیدیان - عمرانی - ص ۹۲.

دارد :

ریشه - گستردگی .

تکواژ (morpheme): تکواژ آزاد یا قاموسی کاربرد و معنای مستقل دارد ؛ مانند : پلنگ -

خوب - سواد .

تکواژ دستوری یا وابسته، معنا و کاربرد مستقل ندارد و دارای انواع اشتقاقی و صرفی است :

تکواژ اشتقاقی در واژه‌های مشتق به کار می‌رود ؛ مثل : چه - زار - بان - مند در واژه‌های

باغچه - گلزار - باغبان - هوشمند .

تکواژ صرفی معنا و کاربرد مستقل ندارد اما واژه‌ی جدید هم نمی‌سازد : «ان» جمع، ها، تر،

ترین، ی نکره تکواژهای صرفی هستند ؛ مانند : مردان - مردها - خوب‌تر - زیباترین - مردی .

تکواژ در ساختمان واحد بزرگتر زبان یعنی واژه به کار می‌رود .

اسم مشتق به چند روش ساخته می‌شود : ۱- مشتق از فعل ۲- مشتق از صفت

۳- مشتق از اسم ۴- مشتق از ضمیر .

۱- مشتق از فعل: (الف) مشتق از بن مضارع (ب) مشتق از بن ماضی

(الف) مشتق از بن مضارع:

بن مضارع + پسوند «ش» (اسم مصدر) ورزش - جنبش - نمایش .

بن مضارع + پسوند «صه» (اسم مصدر- اسم ابزار) گریه - خنده - گیره - تابه .

(ب) مشتق از بن ماضی:

بن ماضی + پسوند «ار» (اسم مصدر) دیدار - کشتار - گفتار .

بن ماضی + پسوند «ن» (مصدر) دیدن - رویدن - شنیدن .

۲- مشتق از صفت:

صفت بیانی + پسوند «ه / ه» زرده - سپیده - شوره .

صفت بیانی + پسوند «ک» زردک - سرخک - سفیدک .

صفت بیانی + پسوند «ی» (حاصل مصدر) خوبی - بلندی - فراوانی

(این «وند» پس از واژه‌های پایان به ه/ه به شکل «گی» در می‌آید : زنده ← زندگی

شرمنده ← شرمندگی .)

صفت بیانی + پسوند «ا» درازا - پهنا - ژرفا - گرما .

صفت شمارشی + پسوند «ه / ه» پنجه - هفته - دهه - هزاره .

۳- مشتق از اسم:

اسم + پسوند «ه/ه» ریشه - ساقه - دماغه - گردنه.

اسم + پسوند «ک» خرک - پفک - عروسک - موشک - مخملک.

اسم + پسوند «گاه» تعمیرگاه - فرودگاه - دادگاه.

اسم + پسوند «کده» هنرکده - آتشکده.

۴- مشتق از ضمیر: ضمیر + پسوند (حاصل مصدر) مایی و منی

● اسم مشتق - مرکب: ممکن است اسم، هم مرکب باشد و هم وند داشته باشد. در این صورت آن را مشتق - مرکب می‌نامند. به عبارت دیگر مشتق - مرکب اسمی است که ویژگی‌های اسم مشتق و اسم مرکب (بیش از یک وند آزاد و وند وابسته) را باهم داشته باشد: خودآزمایی - دانشنامه.

در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت:

تکواژ آزاد + تکواژ آزاد = مرکب: سردخانه.

تکواژ آزاد + تکواژ وابسته = مشتق، مانند: ستایش.

تکواژ آزاد + تکواژ وابسته + تکواژ وابسته = مشتق: دانشگاه. (دان + ش + گاه)

تکواژ آزاد + تکواژ آزاد + تکواژ وابسته = مشتق - مرکب: زبان شناسی.

پس شرط مشتق مرکب آن است که حتماً دو تکواژ آزاد داشته باشد.

مرکب + یک تکواژ وابسته = مشتق مرکب: جانبداری ← جانب + دار + ی

تمرین

هوشمندی ← (هوش + مند + ی = مشتق)

بیدادگری = مشتق - (بی + داد + گر + ی = مشتق)

ناجانمردی = مشتق مرکب (نا + جوان + مرد + ی = مشتق - مرکب)

جوانمرد = مرکب (جوان + مرد)

جوانمردی = مشتق - مرکب (جوان + مرد + ی)

انواع اسم مشتق - مرکب: بخشی از انواع اسم‌های مشتق - مرکب عبارتند از:

○ اسم + بن مضارع + ان = اسم مصدر: عقدکنان - آینه‌بندان - شیرینی‌خوران.

○ بن ماضی + «و» میان وند + بن ماضی = اسم مصدر: داد‌وستد - زد و خورد - رفت و آمد.

○ بن مضارع + «و» میان وند + بن مضارع = اسم: سوز و گداز - پرس و جو - گیرودار.

○ بن مضارع + «ا» میان وند + بن مضارع = اسم مصدر: کشاکش - تکاپو.

○ بن ماضی + «و» میان وند + بن مضارع = اسم مصدر رفت و روب - جست و جو - دوخت و دوز

- فعل امر + فعل امر = اسم مصدر : بگیربند - بده بستان - بزن بکش.
- اسم + میان وند + بن فعل = اسم مصدر : مرگ و میر.
- صفت مرکب + ی = حاصل مصدر : خوش خوبی - دلجویی - بدگوی.

نام آوا^۱

صداهایی مانند «کوکو»، «شلپ شلپ»، «تلق تلق»، «فش فش»، «وزوز» که ظاهراً تلفظ صداهای طبیعی را منعکس می‌کنند، در تمامی زبان‌های معاصر وجود دارد. برخی از کوشندگان، منشأ زبان و سرچشمه‌های گفتار انسان را بر پایه‌ی عقیده به صداهای طبیعی تصور می‌کنند و معتقدند که واژه‌های اولیه احتمالاً تقلیدی از صداهای طبیعی هستند که مردان و زنان آن دوران از محیط اطراف خود می‌شنیده‌اند، مؤید این نظریه را نیز، این واقعیت می‌دانند که در تمامی زبان‌های معاصر کلماتی وجود دارند که ظاهراً تلفظ آن‌ها، صداهای طبیعی را منعکس می‌کند. این نوع نگرش به منشأ زبان را «نظریه‌ی نام آوایی» onomatopoe می‌نامند. شکی نیست که در هر زبان کلمه‌های «نام آوا» (منعکس‌کننده‌ی صداهای طبیعی) وجود دارد اما مشکل می‌توانیم در صحت این نظریه تردید نکنیم و بپنداریم که : زبان مجموعه‌ای صرف از کلماتی است که به عنوان «اسامی» موجودات به کار برده می‌شوند.

نام آواها از مقوله‌ی اسم هستند و در جمله نقش گروه اسمی می‌گیرند.

خلاصه‌ی درس شانزدهم

- گروه اسمی از یک اسم به عنوان هسته و یک یا چند وابسته، تشکیل می‌شود اما وجود وابسته اجباری نیست.
- هسته‌ی گروه اسمی اسم است یا هر چه در حکم باشد.
- وابسته‌های اسم دو گونه‌اند : پیشین - پسین.
- ویژگی‌های اسم در زبان فارسی عبارتند از ۱- شمار ۲- شناس (معرفه)، ناشناس (نکره)، اسم جنس.
- شمار : اسم یا مفرد است یا جمع یا اسم جمع.
- مفرد در فارسی نشانه‌ی ویژه‌ای ندارد.

۱- جورج بول - نگاهی به زبان (یک بررسی زبان‌شناختی) - تهران - نشر سمت - ۱۳۷۴ - چاپ اول.

- نشانه‌های جمع در فارسی عبارتند از : ها - ان - یان - ات - ون - جات .
- جمع مکسرّ ویژه‌ی کلمات عربی است که برخی از آن‌ها در فارسی به کار می‌رود .
- اسم جمع مانند مفرد نشانه‌ای ندارد اما بر یک مجموعه دلالت می‌کند : ملّت - امّت - دسته - طایفه .
- شناس (معرفه) اسمی است که برای شنونده یا گوینده شناخته باشد .
- برخی نشانه‌های اسم «شناس» عبارتند از : الف) «را» پس از اسم مصدر - (ب) اسم جنسی که مضاف الیه آن شناس باشد . (پ) «این» و «آن» و «کدام» پیش از اسم جنس .
- ناشناس : اسمی که برای گوینده یا شنونده به صورت ناشناس به کار می‌رود و پیش از «ی» یا پیش از «ی» و «را» می‌آید .
- اسم جنس اسمی است که بدون هیچ نشانه‌ای به کار رود و منظور آن تمام افراد طبقه‌ی خودش باشد .
- اسم عام، همه‌ی وابسته‌های پسین و پیشین اسم را می‌پذیرد .
- اسم خاص بر خلاف اسم عام دو وابسته‌ی پسین (نشانه‌های جمع - ی نکره) را نمی‌پذیرد .
- اسم از نظر ویژگی ساخت به چهار نوع اسم ساده، مرکب، مشتق و مشتق - مرکب تقسیم می‌شود .
- اسم ساده فقط یک تکواژ دارد .
- اسم مرکب، از دو یا چند تکواژ مستقل ساخته می‌شود .
- اسم مشتق، اسمی است که یک جزء آن معنای مستقل ندارد ؛ یعنی «وند» است .
- اسم مشتق - مرکب، اسمی است که ویژگی‌های مشتق و مرکب را باهم داشته باشد .
- «نام آوا» : صداهای طبیعی و بی معنای پیرامون ما (صدای موجودات زنده و غیره زنده) را نام آوا گویند .

خلاصه‌ی بیاموزیم

در زبان فارسی «گذاشتن» به معنای قرار دادن و مجازاً به معنی قرار داد کردن، وضع کردن و تأسیس کردن است ؛ مثال : بنیان گذار یعنی مؤسس - قیمت گذار یعنی

کسی که تعیین کننده‌ی قیمت است.
 اما «گزاردن» به معنای به جا آوردن، ادا کردن و اجرا کردن است. چنان که
 نمازگزار یعنی ادا کننده‌ی نماز و خدمتگزار یعنی انجام دهنده‌ی خدمت.
 پس به هنگام کاربرد آن‌ها باید دقت کنیم که به معنای آن‌ها توجه داشته باشیم.
 - نرخ گذاری - شماره گذاری - کدگذاری - ارزش گذاری - سیاست گذاری -
 قانون گذاری - پایه گذاری.
 - خدمت گذاری - سپاس گذاری - خواب گذاری - حج گذاری - خبرگذاری -
 شکرگذاری.

پاسخ خودآزمایی‌های درس شانزدهم

از دیوان عظیم رودکی صد دفتر
 هسته (صفت) مضاف الیه (صفت شمارشی) هسته
 وابسته‌ی پسین وابسته‌ی پسین وابسته‌ی پیشین

یک شعر مبالغه‌آمیز منسوب به رشیدی،
 (صفت شمارشی) هسته (صفت) وابسته‌ی پسین
 وابسته‌ی پیشین وابسته‌ی پسین وابسته‌ی پسین

تعداد ابیات آن، یک میلیون و سیصد هزار بیت،
 هسته (مضاف الیه) مضاف الیه (صفت شمارشی) هسته
 وابسته‌ی پسین وابسته‌ی پسین وابسته‌ی پیشین

باقی، اندک، شک، روزگار فرخی و عنصری، بازمانده‌ی اشعار او،
 هسته هسته هسته (مضاف الیه) مضاف الیه (صفت شمارشی) وابسته
 وابسته‌ی پسین وابسته‌ی پسین معطوف به وابسته‌ی پسین وابسته‌ی پسین

قابل ملاحظه، از میان رفتن اشعار او، این تصور، ذهن اشعار او، نابود،
 هسته (مضاف الیه) هسته (مضاف الیه) مضاف الیه (صفت شمارشی) وابسته
 وابسته‌ی پسین وابسته‌ی پسین وابسته‌ی پسین وابسته‌ی پسین

- ۲- دیوان (مفرد - شناس - عام - ساده)
 دفتر (مفرد - جنس - عام - ساده)
 شعر (مفرد - جنس - عام - ساده)
 تعداد (جمع شناس - عام - ساده)
 بیت (مفرد - جنس - عام - ساده)
 شکّ (مفرد - شناس - عام - ساده)
 روزگار (مفرد - شناس - عام - مشتق)
 از میان رفتن (مفرد - شناس - عام - مشتق - مرکب)
 تصوّر (مفرد - شناس - عام - ساده)
 ذهن (مفرد - جنس - عام - ساده)
 اشعار (جمع مکسر - شناس - عام - ساده)

خودآزمایی‌های نمونه

- ۱- هر گروه اسمی از یک و چند وابسته تشکیل می‌شود.
 - ۲- وجود وابسته در گروه اسمی نیست.
 - ۳- هر گروه اسمی می‌تواند یک یا چند داشته باشد.
 - ۴- هر اسمی چهار دارد.
 - ۵- هرگاه پس از اسمی علامت «گان» بیاید آن اسم خواهد بود.
 - ۶- اسم هیچ علامتی ندارد.
 - ۷- وقتی که اسم تنها از یک تکواژ مستقل ساخته شده باشد، به آن می‌گویند.
 - ۸- به کلماتی مانند کتاب‌خانه - گل‌خانه - شیشه‌خانه، اسم می‌گویند.
 - ۹- در جمله‌ی «از دور صدای واق واق سگ می‌آمد»، واق واق یک است.
 - ۱۰- بعد از اسم شناس می‌توان افزود.
 - ۱۱- اسم چند ویژگی دارد؟ نام ببرید.
 - ۱۲- هسته‌ی گروه‌های اسمی زیر را تعیین کنید.
- تاریخ جدید ایران - همان دو شعر اصیل فارسی - کدام فرهنگنامه‌ی کودکان
 ۱۳- نوع اسم‌های زیر را از نظر ساختمان مشخص کنید:
 حاضر جوابی - غزلیات - کارنامه - آثار - آشنایی - یابنده - بخش نامه - زبان‌شناسی -

اشعار- واژه - دانشوران

۱۴- نمودار پیکانی گروه‌های زیر را رسم کنید :

آن طفل خردسال - این تصویر ذهنی کودک - بیان شاعرانه‌ی زیبا - حاصل بیداری آن

طفل - زبان‌های خانمانسوز اعتیاد

۱۵- کدام نادرست است؟

الف) تکواژ آزاد + تکواژ آزاد = اسم مرکب

ب) تکواژ وابسته + تکواژ آزاد = اسم مشتق

پ) تکواژ وابسته + تکواژ آزاد + تکواژ وابسته = اسم مشتق مرکب

ت) تکواژ آزاد + تکواژ آزاد + تکواژ وابسته = اسم مشتق مرکب

۱۶- ساختمان (اجزای تشکیل دهنده‌ی) اسم‌های مرکب زیر را معین کنید.

دفترخانه = + آب پاش = +

سیاه بخت = + کارکرد = +

۱۷- برای هر یک از ساخت‌های اسم مشتق زیر یک نمونه مثال بنویسید :

○ بن مضارع + «ش» = ○ بن ماضی + پسوند «ار» =

○ صفت + پسوند «ی» = ○ اسم + پسوند «ک» =

۱۸- + تکواژ آزاد = مشتق - مرکب

تکواژ آزاد + = ؟

تکواژ وابسته + + تکواژ وابسته = ؟

روش تحقیق (۲)

اهداف کلی

- ۱- آشنایی با «یادداشت برداری» در جریان تحقیق.
- ۲- ایجاد توانایی عملی در تنظیم مقدمه و فهرست‌ها و ارجاعات.

اهداف جزئی

- ۱- ایجاد مهارت در یادداشت برداری از منابع دست اول به اعتبار ارزش آن‌ها.
- ۲- آشنایی با برگه (فیش) و قسمت‌های سه گانه‌ی: عنوان، متن و مأخذ آن.
- ۳- آشنایی با شیوه‌های یادداشت برداری (نقل عین متن، خلاصه نویسی آن و نقل به مضمون).
- ۴- توجه به به ارزش یادداشت برداری و دقت در آن.
- ۵- توانایی استفاده از منابع تازه، معتبر و مستند.
- ۶- توانایی تهیه‌ی پیش‌نویس تحقیق.
- ۷- توانایی تنظیم فهرست‌ها و ارجاعات.

منابع

– پژوهش – دکتر امیر حسین آریان پور – مؤسسه‌ی انتشارات امیر کبیر – چاپ سوم – تهران

۱۳۵۸.

– کتاب کار و نگارش و انشاء، دکتر حسن ذوالفقاری – تهران – اساطیر – ۱۳۷۵.

روش‌های تدریس پیشنهادی

– الگوی همیاری

– روش واحد کار

نکات اساسی درس هفدهم

- توضیح ضرورت یادداشت برداری هنگام مطالعه.
- بیان نکات مفید در یادداشت برداری ضمن مطالعه.
- بیان چگونگی روش‌های ارجاع.

□ ضرورت یادداشت برداری

حافظه در حیطه‌های ششگانه‌ی شناختی، بخش کم‌بها به حساب آمده و قدرتِ نگه‌داشتِ دراز مدّتِ مطلب در آن ضعیف است. همین امر فرآر بودن و فراموش کردن، ایجاب می‌کند که خواننده‌ی دقیق و جدّی راهی را برگزیند که علاوه بر بهره و سودی که از مطالعه‌ی خود می‌برد، از این راه نیز گنجینه‌ای فراهم سازد که در موقع ضرورت به مدد آن بتواند نوشته یا مقاله‌ای را عرضه کند و در موقع تدوین مطلبی، محتاج به مرور و مطالعه‌ی مجدّد و سیر در منابع و مأخذ نباشد. این مطلب با یادداشت برداری در حین مطالعه حاصل می‌گردد. وقتی به مطالعه‌ی کتابی می‌پردازیم، قلم و کاغذی آماده می‌کنیم و زیر عبارت‌هایی که مورد توجه و نیاز است، با مداد خط می‌کشیم یا در حاشیه‌ی کتاب، کنار هر بند یا جمله علامت (X) می‌گذاریم و بدین طریق بندهای مورد نظر خود را مشخص می‌کنیم. پس از این که مطالعه‌ی کتاب به پایان رسید، آنچه را که قابل ضبط و یادداشت می‌دانیم، روی برگه‌هایی به ابعاد 12×7 یا 15×10 می‌نویسیم و مطالب را روی یک طرف برگه ضبط می‌کنیم این یادداشت‌ها فقط برای کمک به حافظه است. وگرنه نقل مطلب عیناً از روی کتاب، چندان ارزشی نخواهد داشت. برای نقل مستقیم مطالب، باید به قواعد ضبط و یادداشت برداری توجه کنیم، بدین معنی که عبارت‌هایی را که عیناً از مأخذی نقل می‌شود، داخل گیومه بگذاریم و در پایان نقل، مشخصات مأخذ خود را دقیقاً ثبت کنیم. سهل انگاری در این کار باعث ایجاد مشکلات برای محقق خواهد شد.

در کارهای تحقیقی، پژوهشگر ابتدا عنوان تحقیق را در بالای برگه، یادداشت می‌کند. به عنوان مثال، کسی که می‌خواهد درباره‌ی «شیلات» ایران تحقیق کند، ابتدا در بالای صفحه، در سمت راست، کلمه‌ی «خاویار» را می‌نویسد و زیر آن خطی می‌کشد و مطالب خود را روی کارت می‌نویسد و در پایان، صفحه و سطر و سایر مشخصات منبع مورد استفاده را قید می‌کند. چنانچه در باب صید و صدور خاویار نیز به مطلبی برخورد، می‌تواند بالای همان برگه کلمه‌ی «صید و صدور» را هم درج نماید یا اینکه روی برگه‌ی جداگانه بنویسد.

نویسندگان موفق، برای هر قسمت از پژوهش خود، کارت‌های جداگانه تهیه می‌کنند و سپس

دسته بندی می نمایند.

یادداشت‌ها باید صحیح و کامل باشد، بدین معنی که ضمن رعایت اختصار و کوتاهی، در بردارنده‌ی کل مطالب مورد نظر باشد و همه‌ی آن‌ها را به یاد آورد.

توجه به نکات زیر در یادداشت برداری ضمن مطالعه مفید خواهد افتاد:^۱

در جریان یادداشت برداری باید تا می‌توانیم مطالب طولانی را خلاصه کنیم. ثبت نکته‌های جزئی فراوان، هم وقت گیر است و هم سبب می‌شود که پژوهنده به اعتبار یادداشت‌های خود، از حافظه یاری نگیرد و آن را به تنبلی بکشانند.

برای آن که به هنگام الزام بتوانیم به آسانی برگه‌ای را از میان برگه‌ها بیابیم، باید به رده بندی برگه‌ها بپردازیم.

بی‌اعتنایی به یادداشت برداری ضمن مطالعه، خواه از روی سستی و سهل انگاری باشد، خواه، از روی اعتماد به حافظه، روانیست زیرا ممکن است در آینده‌ی نزدیک یا دور از صفحه‌ی خاطر زدوده شود.

□ برگه برداری

● برگه چیست؟ برگه (فیش) کاغذهایی به اندازه‌ی تقریبی ۱۲×۷ یا ۵×۱۰ (برابر با $\frac{1}{4}$ یک

برگ کاغذ A4 یا کلاسور است که می‌توانیم خود تهیه کنیم یا نوع چاپی آن‌ها را به کار ببریم.

○ هر برگه سه قسمت دارد: عنوان، متن، مأخذ.

در کارهای تحقیقی، ابتدا عنوان تحقیق را در بالای برگه یادداشت می‌کنیم. به طوری که ضمن رعایت اختصار و کوتاهی، در بردارنده‌ی کل مطالب مورد نظر باشد و همه‌ی مطالب را به یاد آورد. ضبط مطالب اضافی، کار شروع تحریر را مشکل‌تر و پیچیده‌تر می‌کند.

برگه‌ها زیر بنا و مواد خام تحقیق و پژوهشگر هستند. باید مأخذ دقیق منبع در هر برگه به ترتیب ثبت شود. معمولاً در سمت چپ برگه محلی برای تعیین شماره، گذاشته شده است که رعایت ترتیب برگه‌ها با ضبط شماره، کار دستیابی به یادداشت‌ها را آسان‌تر می‌کند.

می‌توان رده بندی را به ترتیب حرف‌های اول عنوان‌ها نیز صورت داد.

معمولاً برگه‌ها را در جعبه‌های مخصوص (برگه دان) قرار می‌دهند تا از پراکندگی آن‌ها جلوگیری

شود.

۱- کتاب کار نگارش و انشاء، دکتر حسن ذوالفقاری

کتاب: فصل نامه‌ی «نامه‌ی فرهنگستان»

مجله: نوشته‌ی: دکتر تقی وحیدیان کامیار

مبحث: ایهام تاریخ نشر: ۱۳۷۵ ناشر: فرهنگستان زبان و ادب

نوع یادداشت: مستقیم □ تلخیص □ ترجمه □

موضوع کلی: نقش ایهام در زیبایی سخن

جلد: ۸ صفحه: ۵۹

موضوع جزئی: تفاوت ایهام و کنایه

نخستین ویژگی کنایه دویعدی بودن آن است: یکی معنی نزدیک یعنی تصویری، که ملازم مراد است؛ دیگری معنی دور یعنی خود معنی مراد.

سعدی می‌گوید:

چرا گوید آن چیز در خفیه مرد که گر فاش گردد شود روی زرد

تعبیر زردروی شدن ابتدا مردی با چهره‌ی زرد را به ذهن می‌آورد؛ سپس شرمساری او را می‌رساند.

ایهام نیز بیش از یک بعد دارد اما در آن، به خلاف کنایه، یکی از معانی ملازم معنای دیگری نیست. از مقایسه‌ی کنایه‌های یاد شده با این ایهام سعدی، تفاوت آشکار می‌شود:

آن آب که دوش تا کمر بود امشب بگذشت خواهد از دوش

دوش دو معنا دارد: شانه و دیشب، بی آن که یکی از معانی ملازم دیگری باشد. تفاوت دیگر اصلی این است که در کنایه ذهن از معنی نزدیک (ملازم) معنی اصلی را درمی‌یابد اما در ایهام چنین نیست. تفاوت‌های دیگری نیز میان کنایه و ایهام وجود دارد.

□ روش ارجاع

آن چه به تحقیق ارزش و اعتبار علمی می‌بخشد شیوه‌ی درست ارجاع است.

هر گاه از عقاید و نظریات و نوشته‌های دیگران استفاده می‌کنیم، باید به طور دقیق نشانی آن‌ها را ذکر کنیم. اگر از عین مطالب استفاده کرده‌ایم، آن‌ها را داخل « » قرار می‌دهیم و نشانی آن‌ها را در پاورقی یا پایان فصل می‌آوریم. مشخصات کتاب را به یکی از دو شکل زیر ارجاع می‌دهیم:

□ نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، نام کتاب، محل نشر، ناشر، نوبت چاپ، سال چاپ، جلد، صفحه.

□ نام کتاب، نام نویسنده، محل نشر، ناشر، نوبت چاپ، سال چاپ، جلد، صفحه.

مثلاً: اسلامی ندوشن، محمدعلی، صفیر سیمرخ، تهران، انتشارات یزدان، چاپ سوم، ۱۳۶۵، ص

صفیر سیمرخ، محمد علی اسلامی ندوشن، تهران، انتشارات یزدان، چاپ سوم، ۱۳۶۵، ص ۵۷.

□ زرین کوب، عبدالحسین، با کاروان حلّه، انتشارات جاویدان، چاپ سوم، تهران ۱۳۵۵.

● اگر از مجله یا نشریه‌ای استفاده کرده‌ایم، به شیوه‌ی زیر ارجاع می‌دهیم:

نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، عنوان مقاله، نام مجله، سال، دوره، شماره، صفحه، مثلاً:

سمیعی گیلانی، احمد، عناصر تراژدی در داستان سیاوش، آموزش زبان و ادب فارسی، سال سیزدهم، شماره‌ی ۵۱، ص ۱۲.

● چنانچه صفحات ارجاع بیش از یک صفحه باشد، از علامت «صص» استفاده می‌کنیم.

○ اگر منبع مورد استفاده‌ی ما ترجمه یا تصحیح باشد، پس از نام و نام خانوادگی نویسنده، نام مترجم یا مصحح ذکر می‌شود:

مثلاً: ابوعلی محمد بلعمی، به تصحیح محمد تقی بهار، به کوشش محمد پروین گنابادی، انتشارات زوّار چاپ دوم، تهران ۱۳۵۳.

خلاصه‌ی درس هفدهم

- یادداشت برداری به حافظه کمک می‌کند تا قدرت نگه داشت دراز مدّت مطلب، بیشتر گردد.
- برگه (فیش) کاغذهایی به اندازه‌ی تقریبی ۱۲×۷ یا ۱۵×۱۰ (برابر با $\frac{1}{4}$ یک برگ کاغذ A4 یا کلاسور) که می‌توانیم خود تهیه کنیم یا نوع چاپی آن‌ها را به کار ببریم.
- با یادداشت برداری می‌توان اطلاعات و معلومات فراوانی را که طیّ سالیان دراز آموخته می‌شود ثبت و طبقه بندی و حفظ کرد.
- تنظیم فهرست‌ها انواعی دارد: موضوعی، فهرست راهنما.
- در بخش ارجاع مقاله، شیوه‌های صحیح آن را در نظر می‌گیریم.
- جوهر تحقیق، ابتکار و نوآوری است، نه تقلید صرف و تکرار آن چه در گذشته نیز بوده است.
- در ضمن مراجعه به منابع از علایم اختصاری خاصی استفاده می‌کنیم.
- برای هر قسمت از پژوهش‌هایمان، برگه یا برگه‌های جداگانه‌ای اختصاص می‌دهیم و فقط مطالب و نکات مربوط به آن را یادداشت می‌کنیم.

خلاصه‌ی پیاموزیم

برخی از کلمات عربی در فارسی، به دو معنی مستقل به کار می‌روند، باید آن‌ها را بشناسیم و در گفتار و نوشتار خود آن‌ها را به درستی به کار ببریم:

مثال:

اراده = قصد و میل

ارادت = لطف و محبت

نظاره = نگاه کردن

نظارت = رسیدگی کردن

* پاسخ خودآزمایی‌های درس هفدهم

خودآزمایی‌های ۱ و ۲ فعالیت دانش‌آموزی هستند.

۳- ضربت و ضربه / مراقبت و مراقبه / ارادت و اراده /

۴- اسم خاص با جمع بستن به اسم عام تبدیل نمی‌شود؛ زیرا در حالت جمع نیز به اشخاص

خاص دلالت می‌کند.

* خودآزمایی‌های نمونه

۱- بعد از آن که کتاب‌های لازم را فراهم کردیم، باید درباره‌ی موضوع مورد نظر..... تهیه

کنیم.

۲- هر برگه از سه قسمت «عنوان، متن و.....» تشکیل می‌شود.

۳- یادداشت برداری ساده‌ترین راه..... یافته‌ها و نکته‌های مهم است.

۴- یادداشت برداری باعث می‌شود که همواره به مطالب مورد نیاز..... داشته باشیم.

۵- یادداشت‌ها باید دارای..... دقیق باشند.

۶- می‌توان یادداشت‌ها را در..... نگه داری کرد.

۷- استفاده از منابع تازه و علمی موجب..... پژوهش و مقاله می‌شود.

۸- وقتی که کار یادداشت برداری تمام شد چه باید کرد؟

۹- چند نوع فهرست وجود دارد؟

۱۰- پنج نمونه از دایرةالمعارف‌های موجود را شناسایی کنید و برای هر یک برگه‌ای تهیه کنید

که در آن به عنوان «کامل»، «موضوع» و «تدوین کنندگان» اشاره شده باشد.

گروه اسمی (۲)

اهداف کلی

- ۱- شناخت بیشتر گروه اسمی و وابسته‌های اسم.
- ۲- آشنایی با ساختمان صفت‌های بیانی و مضاف و مضاف الیه.

اهداف جزئی

- ۱- توانایی تشخیص وابسته‌های اسم و وظایف آن‌ها.
- ۲- توانایی تشخیص انواع وابسته‌های پیشین. (صفت اشاره، صفت پرسشی، صفت شمارشی، صفت عالی و صفت مبهم)
- ۳- توانایی تشخیص انواع وابسته‌های پسین. (۱- ای : نشانه‌ی ناشناس
- ۲- ها : نشانه‌ی جمع ۳- صفت شمارشی ترتیبی ۴- مضاف الیه ۵- صفت بیانی)
- ۴- توانایی تشخیص انواع ساخت صفت‌های بیانی.
- ۵- مهارت در تمیز انواع اضافه‌های تعلق‌ی و غیر تعلق‌ی.
- ۶- توانایی تشخیص نوع و ساختمان صفت‌ها و انواع اضافه.
- ۷- مهارت در ترسیم نمودارهای درختی و پیکانی گروه اسمی.

منابع

- دستور زبان فارسی (۱) – دکتر وحیدیان – عمرانی – تهران – نشر سمت – ۱۳۷۹.
- دستور زبان فارسی (بر پایه‌ی نظریه‌ی گشتاری) – دکتر مهدی مشکوة‌الدینی – دانشگاه فردوسی – مشهد ۱۳۷۳.
- آموزش زبان فارسی – مجمع علمی آموزش زبان و ادب فارسی – دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب‌های درسی – چاپ اول – تهران ۱۳۷۷.

روش‌های تدریس پیشنهادی

– الگوی دریافت مفهوم

– الگوی تفکر استقرایی

نکات اساسی درس هجدهم

- بیان ساختمان صفت بیانی.
- شرح و توضیح ساختمان صفت عادی.
- بررسی صفت فاعلی از نظر نوع ساخت.
- یادآوری نکاتی چند در مورد صفت فاعلی.
- توضیح ساختمان صفت مفعولی.
- بررسی صفت نسبی از نظر ساخت.
- شناخت صفت لیاقت.
- توضیح مضاف و مضاف الیه و اضافه‌های تعلق و غیر تعلق.

□ چنان‌که در درس شانزدهم دیدیم گروه اسمی از هسته و تعدادی وابسته تشکیل می‌شود. آنچه در گروه اسمی به عهده‌ی وابسته نهاده شده، توضیح برخی ویژگی‌های هسته یا افزودن نکته‌ی تازه‌ای به آن است و آموختیم که وابسته‌ها یا پیشین‌اند یا پسین. اینک به توضیح ساختمان صفت بیانی می‌پردازیم که از وابسته‌های پسین گروه اسمی است؛ یعنی در گروه اسمی آنچه پس از کسره می‌آید، اگر مضاف الیه و صفت شمارشی نباشد صفت بیانی است: کارنیک – چرخ نیلوفری – خانه‌ی نوساز – هوای نامناسب. هسته‌ی این گروه اسمی را موصوف می‌نامند.

صفت‌های بیانی عبارتند از: صفت بیانی عادی – فاعلی – مفعولی – نسبی – لیاقت.^۱

۱ – صفت بیانی (عادی): این واژه‌ها از نظر ساختمان چهار دسته‌اند:

الف) صفت ساده: آن است که فقط یک تکواژ داشته باشد: روشن – تاریک – خوب –

سفید.

ب) صفت مرکب: از دو یا چند تکواژ آزاد یا مستقل ساخته می‌شود: جوان مرد – خوش‌سیما –

روشن دل – سرخ رو.

پ) صفت مشتق: صفتی است که در ساختمان آن دست کم یک تکواژ وابسته بیاید: خردمند –

۱ – دستور زبان (۱) – دکتر وحیدیان – عمرانی – ص ۸۱

بیکار - شادمان.

ت) **صفت مشتق - مرکب**: آن است که ویژگی‌های مرکب و مشتق را باهم دارد مانند: سرخ و سفید - سراسری - پرفرت و آمد - دو ساله.

۲- **صفت فاعلی**: این صفت به شکل‌های گوناگون ساخته می‌شود و هر یک را نیز می‌توان از نظر ساختمان به انواع مشتق، مرکب و مشتق مرکب تقسیم کرد و در عین حال که برای هر یک قاعده‌ای داده می‌شود نباید آن را قیاسی پنداشت، گونه‌های مختلف صفت فاعلی به شرح زیر است:

الف) بن مضارع + مَ نده: شنونده - گوینده - گیرنده.
ب) بن مضارع + ا (=مشبّهه = دائمی): بینا - روا - گویا - شنوا.
پ) بن مضارع + ان (=حالیه): گریان - خندان - نالان.
ت) بن ماضی یا مضارع یا اسم + گار: خواستگار - آفریدگار - آموزگار - کامگار.
ث) بن ماضی یا مضارع + ار: خریدار - خواستار - پرستار.
ج) بن ماضی یا مضارع یا اسم و صفت + گر: دادگر - توانگر - کارگر - روشنگر.
چ) بن مضارع، اسم، صفت یا فعل امر + کار: تراشکار - ریاکار - نیکوکار - بستانکار - بدهکار.

ح) اسم + بن مضارع: درسخوان - کینه جو - تیرانداز.
خ) پیشوند + بن مضارع یا صفت: نادان - نسوز - نااهل - ناوارد.
د) اسم، صفت، قید یا ضمیر مشترک + بن مضارع: دادرس - خوش نویس - تندرو - خودجوش.

● اگر پسوند «گر و کار» به آخر اسم ذات افزوده شوند، اغلب صفتی می‌سازند که بر پیشه و حرفه دلالت می‌کند: زرگر - آهنگر - مسگر - سیمانکار - سنگ کار.

● صفت فاعلی که با «ان» همراه است گاهی تکرار می‌شود و در این صورت بعضی وقت‌ها «ان» از آخر اولی می‌افتد و در هر حال، این ترکیب، معمولاً در جمله، نقش قیدی دارد:
دوان دوان - لرزان لرزان - پیرسان پیرسان - لنگان لنگان.

● گاهی ساخت فعل امر به تنهایی یا به صورت ترکیب، نوعی صفت فاعلی می‌سازد:
بگو بخند - بساز بفروش - تو دل برو.

● از ترکیب بن مضارع با اسم یا کلمه‌ی دیگر نوعی صفت فاعلی مرکب به دست می‌آید که گروهی آن را مخفف صفت فاعلی که با نشانه‌ی «نده» می‌آید دانسته‌اند:

دانشجو = دانشجوینده - درس خوان = درس خواننده - خداپرست = خداپرستنده.

این ترکیب از برخی فعل‌ها به جای فاعلی، معنای مفعولی می‌دهد :
لگدکوب = لگدکوبیده شده - دست دوز = با دست دوخته شده - نوساز = نوساخته شده.

۳- صفت مفعولی: که بر دو گونه است :

الف) بن ماضی + ه / ه (=e) گفته - آمده - خورده - نشسته.

ب) اسم، صفت + بن ماضی - خوش دوخت - بادآورد.

هر فعلی از نظر ساخت دارای صفت مفعولی است و شرط گذرا بودن فعل، ملاک ساخت آن

نیست. صفت‌های مفعولی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد :

الف) کاملاً صفت که می‌توانند به عنوان وابسته‌ی اسم در ساختمان گروه اسمی به کار روند از قبیل : (در) گشوده - (پنج‌ره) بسته - (پرچم) برافراشته - (دل) سوخته - آدم (خفته) - (مرد) ورزیده.

ب) واژه‌هایی که از نظر ساختمان، صفت مفعولی هستند اما کارکرد صفتی ندارند و در ساختمان فعل مجهول و ماضی‌های بعید و التزامی و نقلی و بعید نقلی، به کار می‌روند : دیده - شنیده - کشیده - خورده - گرفته - خوانده. بعضی از این صفت‌ها اساساً کلمه‌ی مستقل نیستند و تنها در ساخت بعضی از زمان‌ها مانند ماضی نقلی و فعل مجهول به کار می‌روند مثل : آورده - فروخته - پرسیده.

اغلب صفت‌های مفعولی که به تنهایی کاربرد صفتی ندارند، وقتی با واژه‌های دیگر ترکیب شوند، صفت مفعولی مرکب می‌سازند؛ مانند دیده، کشیده، باخته و رفته، کاربرد صفتی ندارند اما در ترکیب‌های رنج دیده، ستم کشیده، خودباخته، برباد رفته به کار رفته‌اند و صفت مرکب ساخته‌اند.

اگر به اول صفت مفعولی، اسم یا صفت یا لفظی دیگر افزوده شود، گاهی حرکت ه «/ه» از آخر آن می‌افتد؛ گل اندود = گل اندوده، پشمالود = پشم آلوده.

و گاهی نمی‌افتد: آبدیده - دلداده - پس مانده.

۴- صفت لیاقت: ساختمان آن چنین است :

مصدر + ی = صفت لیاقت، دیدنی - خوردنی - رفتنی - نوشیدنی.

۵- صفت نسبی: به صورت‌های زیر ساخته می‌شود :

اسم + ی = نیلوفری - محمدی - آسمانی - عقده‌ای (برخی از واژه‌های پایان به «ه / ه» به

جای «ی» پسوند «گی» می‌گیرند: خانگی - هفتگی.

پسوند «ی» نسبت تنها پسوند زایا در زبان فارسی امروز است: لاستیکی - رادیویی...

اسم / صفت + انه: روزانه - شبانه - عصرانه - محرمانه - دلیرانه (برخی از واژه‌های پایان

به «ه / ه» به جای انه، گانه می‌گیرند: بچگانه.)

اسم یا گروه اسمی + ه : کناره - ده ساله - سه روزه - همه کاره - چند ماهه.

اسم + ین /ینه : زرین / زرینه، پشمین / پشمینه، سیمین / سیمینه /.

اسم / صفت + گان / گانه : دوگانه - دهگان - چندگانه - جداگانه.

اسم + انی : خسروانی - روحانی - نورانی - جسمانی.

● صفت همیشه مفرد است و اگر جمع بسته شد، دیگر صفت نیست، گروه اسمی است.

● ویژگی مؤنث و مذکر بودن در نوع صفت بی تأثیر است اما برخی ترکیب‌های وصفی دخیل

به ظاهر چنین مطابقتی دارند. گرچه از نظر فارسی زبانان، چنین صفت‌هایی مؤنث شمرده نمی‌شوند؛

زیرا در زبان فارسی تمایز میان مذکر و مؤنث نیست جز به ندرت، آن هم در فارسی اداری مانند مدیری

محترمه - و در برخی اسم‌های خاص مثل : وحید ← وحیده طاهر ← طاهره.

● وجود «ه» در کلمه‌ی «شاعره» نیز دلیل مؤنث بودن آن نیست از آن رو که «شاعر» مذکر

نیست.

● پاره‌ای از ضمیرها هم گاهی صفت می‌گیرند : من بی چاره - توی معلم.

● برخی از صفت‌های بیانی برای توضیح بیشتر، نیاز به متمم دارند و بدون آن ناقص‌اند، این

متمم‌ها می‌توانند قبل یا بعد از صفت بیانی بیایند. دانش‌آموز علاقه‌مند به کار، دانش‌آموز به کار

علاقه‌مند.

برخی از متمم‌های صفات بیانی به جای حرف اضافه با کمک کسره به آن‌ها وابسته

می‌شوند :

آدم نیازمند دلجویی = آدم نیازمند به دلجویی

این صفت‌ها نیز حرف اضافه‌ی مناسب خود را دارند، تعدادی از صفت‌های بیانی با حرف

اضافه‌ی آن‌ها را ذکر می‌کنیم :

برخوردار از - پراز - متنفر از - بی‌خبر از - بی‌اعتنا به - بی‌علاقه به - محتاج به -

آغشته به - سازگار با - توأم با - درگیر با.

□ مضاف و مضاف الیه

اگر پس از اسمی، نقش نمای اضافه (کسره) بیاید، کلمه‌ی بعد از آن - اگر اسم یا در حکم اسم

باشد - مضاف الیه است و گرنه، صفت. مجموع مضاف و مضاف الیه را ترکیب اضافی و مجموع

صفت و موصوف را ترکیب وصفی می‌نامند. کتاب کتاب‌خانه = مضاف و مضاف الیه (= ترکیب اضافی).

کتاب سودمند = صفت و موصوف (= ترکیب وصفی).

● انواع اضافه: اضافه از نظر رابطه‌ی مضاف با مضاف الیه دو نوع است: تعلقی و غیرتعلقی. در اضافه‌ی تعلقی بین مضاف و مضاف الیه رابطه‌ی مالکیت یا وابستگی وجود دارد، اما در اضافه‌ی غیرتعلقی چنین رابطه‌ای نیست.

اضافه‌ی تعلقی از قبیل: پرواز پرنده - پسر همسایه - جام جم - راه شیراز - کاسب بازار - مسافر قطار - خواندن نامه - شاهنامه‌ی فردوسی - تخت جمشید - قانون کار - دسته‌ی صندلی - گفتن راز - کاغذ روزنامه - شیفته‌ی آزادی - پیرپرند - جوینده‌ی نام - فلسفه‌ی بوعلی سینا.

□ راه شناختن اضافه‌ی تعلقی: ۱

الف) در اضافه‌ی تعلقی می‌توان مضاف الیه را جمع بست: گفتن رازها - عنوان نامه‌ها، پیرندگان - دسته‌ی صندلی‌ها.

ب) اگر به هر دلیلی مثل خاص بودن، نتوان مضاف الیه را جمع بست با جابه‌جایی مضاف و مضاف الیه، در اضافه‌ی تعلقی، و افزودن فعل «دارد» می‌توان یک جمله‌ی سه‌جزیی مفعول دار ساخت: «دیوان حافظ = حافظ دیوان دارد.»

عنوان نامه = نامه عنوان دارد. قانون کار = کار قانون دارد. پسر همسایه = همسایه پسر دارد.

اضافه‌هایی که قواعد بالا در باره‌ی آن‌ها صدق نکند، اضافه‌ی غیرتعلقی‌اند: دست طمع - گل لاله - کوزه‌ی سفال - داس مرگ - کشور ایران - دست سرنوشت - کمند گیسو - روز جمعه - چشم احترام.

خلاصه‌ی درس هجدهم

- صفت‌های بیانی عبارت‌اند از: ۱- بیانی عادی ۲- فاعلی ۳- مفعولی
- ۴- نسبی ۵- لیاقت.
- صفت بیانی عادی از نظر ساخت چهار نوع است: ساده - مشتق - مرکب - مشتق - مرکب.
- صفت ساده: آن است که فقط یک تکواژ داشته باشد، مانند: خوب - روشن.
- صفت مرکب: آن است که از دو یا چند تکواژ آزاد یا مستقل ساخته می‌شود؛ مانند: خوش سیما - سربلند.

۱- دستور زبان فارسی (۱) (وحیدیان - عمرانی) ص ۸۰.

- صفت مشتق : صفتی است که در ساختمان آن، دست کم، یک تکواژ وابسته بیاید ؛ مانند : خردمند - مهربان.
- صفت مشتق - مرکب : آن است که ویژگی‌های مرکب و مشتق را باهم داشته باشد ؛ سرخ و سفید - سراسری.
- صفت فاعلی : صفتی است که بر کننده‌ی کار دلالت کند و به شکل‌های گوناگون ساخته می‌شود.
- صفت مفعولی : آن است که کاربرد آن واقع می‌شود و معمولاً آن را از بن ماضی به اضافه‌ی کسره و در برخی لهجه‌ها فتحه - که با (ه) نشان داده می‌شود - می‌سازند.
- صفت لیاقت : صفتی است که شایستگی و قابلیت موصوف را می‌رساند و با افزودن (ی) به آخر مصدر ساخته می‌شود.
- صفت نسبی : صفتی است که به کسی یا جایی یا جانوری یا چیزی نسبت داده شود.
- مضاف و مضاف الیه : اگر پس از اسمی، نقش نمای اضافه (کسره) بیاید، کلمه‌ی بعد از آن - اگر اسم یا در حکم اسم باشد - مضاف الیه است و گرنه صفت.
- اضافه از نظر رابطه‌ی مضاف با مضاف الیه دو نوع است : تعلق‌ی و غیر تعلق‌ی.

خلاصه‌ی بیاموزیم

بعضی از جمله‌ها در زبان فارسی گاهی به منظور اختصار و صراحت در بیان، به شکل دو کلمه مطرح می‌شود. در این صورت (کوتاه و بی فعل) بین آن‌ها کلمه‌ی «و» قرار می‌گیرد. به این نوع «واو» مابینت یا استبعاد می‌گویند. همیشه این دو کلمه، نماینده‌ی جمله‌ی کامل هستند. مثال : پدر و بدقولی؟! (پدر با بدقولی میانه‌ای ندارد و یا پدر هرگز بدقولی نمی‌کند یا بعید است پدر بدقولی کند).

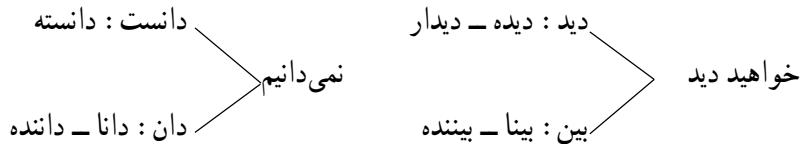
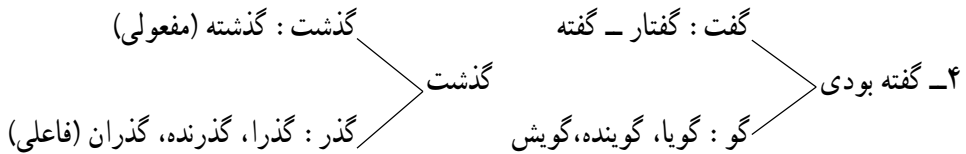
مثال: ایرانی و کینه توزی؟! (یعنی بعید است کینه توزی از ایرانی)، دزد و شرافت؟! (یعنی شرافت از دزد بعید است.)

* پاسخ خودآزمایی‌های درس هجدهم

- ۱- ● ترکیب‌های وصفی: دشتی پر از گاو - آن جا - صحرائی پر از اسب - این اسب‌ها -
گوسفندهای بسیار - این همه رمه - غلامان بسیار - این غلامان - سرایی آراسته - آن جا - این
اندازه - دستاری کهنه و پاره پاره - همه چیز.
● ترکیب‌های اضافی: عمیدنشابور - بندگان عمید - درون شهر - سرای عمید نیشابور -
سرای که؟

۲- دیوانه و سرا

نشابور	عمید	سرای	همه	رمه	این
وابسته‌ی پسین (مضاف الیه)	وابسته‌ی پسین (مضاف الیه)	هسته	وابسته‌ی هسته	پیشین	وابسته‌ی پیشین
					(صفت اشاره)



- ۵- هر یک از این واژه‌ها در زمان‌های گذشته، معنی دیگری غیر از آن چه امروزه معمول است، داشته‌اند:
- خدا = صاحب / شوخ = چرک / کثیف = انبوه / رعنا = خودپسند، احمق / مزخرف =
زراندود /.

- ۶- ارزش گذاری - خواب گزار - شماره گذاری - قانون گذاران - کارگزاران.
۷- امام حسین و تسلیم؟! / خسیس و بخشش!؟

* خودآزمایی نمونه

- ۱- گروه اسمی از و تعدادی وابسته تشکیل می‌شود.
- ۲- وظیفه‌ی وابسته، توضیح برخی از ویژگی‌های است.
- ۳- در گروه اسمی «آن گل زیبا» آن یک وابسته‌ی است.
- ۴- صفت «سرخ» از نظر ساختمان یک صفت است.
- ۵- صفت «بهار» از نظر ساختمان یک صفت است.
- ۶- صفت «دل پسند» از نظر ساختمان یک صفت است.
- ۷- صفت «ایرانی نژاد» از نظر ساختمان یک صفت است.
- ۸- هر گاه صفت همراه اسم نباشد به عنوان یا قید تلقی می‌شود.
- ۹- به ترکیب «اسم اسم» می‌گویند.
- ۱۰- «قانون کار» اضافه‌ی است.
- ۱۱- خلاصه‌ی «مسلمان با دروغ میانه‌ای ندارد» است.
- ۱۲- برای واژه‌ی «کتاب» انواع وابسته‌های پیشین و پسین را به کار ببرید.
- ۱۳- انواع صفت‌های زیر را از نظر ساخت معلوم کنید.
- بلند - هیچ کاره - شنوا - خانگی - خردمندانه - گل آلود - سفید پوست - عاقل.
- ۱۴- انواع اضافه‌ها را مشخص کنید: کشور یونان - کاغذ کتاب - کوزه‌ی سفال - شاهنامه‌ی فردوسی - کتاب شیمی.
- ۱۵- جمله‌های زیر را به صورت کوتاه و بی فعل بنویسید:
□ شما هرگز در انجام کارهایتان تأخیر ندارید. □ آن‌ها هیچ وقت در فصل امتحانات به مسافرت نمی‌روند.
- ۱۶- در کدام گزینه ترکیب وصفی به کار نرفته است؟
الف) آثار فرهنگی (ب) نشانه‌های بیماری (پ) نیکی‌های اخلاقی (ت) پیام انسانی
- ۱۷- در کدام گزینه ترکیب اضافی به کار نرفته است؟
الف) آثار پاکدامنی (ب) فرهنگ وابستگی (پ) وابستگی فرهنگی (ت) نشانه‌های جوانمردی
- ۱۸- کدام ترکیب، اضافه‌ی تعلق‌ی نیست؟
الف) جوینده‌ی نام (ب) قانون کار (پ) دست ارادت (ت) شیفته‌ی آزادی
- ۱۹- کدام واژه، ساده است؟ زیبا - دانا - جزا - رسا.
- ۲۰- کدام واژه از نظر ساختمان با بقیه متفاوت است؟ جسمانی - روحانی - نورانی - ایمانی.

- ۲۱- کدام واژه مشتق - مرگب نیست؟ دست و دل باز - خوش آب و هوا - مهمان دوست -
پررفت و آمد
- ۲۲- کدام صفت مشتق است؟ غمگین - سرخ رو - تنگدل - زرنگ - کاردان.
- ۲۳- نوع اضافه‌های زیر را مشخص کنید : پرواز هواپیما - گل لاله - پسر همسایه - کوزه‌ی
طلا- راه اردبیل - کشور یونان - مغز مداد - دست سرنوشت.
- ۲۴- از بن ماضی و مضارع فعل‌های (می فرستادم - می افکنند - دیده بود - فروخته‌اند -
شناختم) صفت مشتق بسازید.